



پادشاه سعودی در اقدامی عجیب ولیعهد و وزیر خارجه را برکنار کرد

کودتای دونفره

محمد بن نایف ولیعهد و محمد بن سلمان جانشین ولیعهد شدند

صفحه ۱۵



تیتراهای روز

شورش بالتیمور به فرگوسن سرایت کرد

اوباما: معترضان دزدند!

صفحه ۱۵

نماینده عراقی خواستار اخراج سفیر واشنگتن شد

توطئه کنگره برای تجزیه عراق

صفحه ۱۵

رونمایی رسمی از خریداران سرخابی

صفحه ۱۲

آیت‌الله آملی لاریجانی به دادستان تهران دستور داد

برخورد با رسانه‌های مدعی پول کثیف

صفحه ۲

یادداشت ویژه

آغاز شمارش معکوس اضمحلال سعودی

دکتر صباح زنگنه*



تغییرات روز گذشته عربستان نشانه آغاز شمارش معکوس برای استیصال سعودی است که در بردارنده عوامل انحطاط و اضمحلال این خاندان است. البته برای فرار موقت از نتیجه محتمم روند اضمحلال، سعودی‌ها به سیاست‌های تأخیری نظیر راه انداختن جنگ در یمن یا شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در سطح بین‌المللی روی آورده‌اند. بهانه کردن قدرت‌گیری ایران در منطقه یا آتش‌افروزی در یمن، حربه‌ای است که خاندان حاکم در عربستان، عوامل و عناصر خود را از تفرق و اختلاف بازدارند اما شاهدیم با اقدامات و تغییرات اخیر نتیجه‌ای کاملاً عکس رقم می‌خورد. گویی این بافت فرسوده حکومت سلطنتی - خاندانی را علاجی نیست. در حال حاضر ۲ نفر زمام قدرت عربستان را به طور کامل در اختیار دارند؛ یکی محمدبن نایف با عقلائیت بیشتر که حالا ولیعهد لقب گرفته قدرت‌خواهی و جاسطبی فوق‌العاده که جانشین ولیعهد شده است. هر دوی آنها مورد تأیید آمریکا و مورد حمایت طایفه سدیری در داخل آل سعود هستند. البته احتمال اینکه سرنوشت مقرر بن عبدالعزیز به‌عنوان ولیعهد برکنار شده برای محمد بن نایف تکرار نشود ضعیف است چون عمده توانایی محمد بن سلمان، پسر جاه‌طلب پادشاه در جنگ‌افروزی‌های برون‌مرزی است و قدرت چالش‌دخالی او در مقابل ولیعهد جدید چندان بالا نیست. بعید است محمد بن سلمان مثلاً شیبه صدام در عراق، یک‌شبه ره صدساله پرود و محمد بن نایف را هم دور بزند، چون این باعث فروپاشی نظام عرفی آل سعود می‌شود اما او می‌تواند عربستان را به ورطه جنگ‌های نابودکننده خارجی سوق دهد، ضمن اینکه در داخل هم جنگ فرسایشی میان این دو با مابقی شاهزادگان سعودی و همین‌طور طیف جدید تحصیلکردگان خواهان دموکراسی آغاز شده است. دست آخر قوت گرفتن بحث تجزیه عربستان بر اثر تغییرات اخیر را ضعیف می‌داند، چون اگر درگیری‌های داخلی آل سعود از حد بگذرد، دخالت آمریکا و غرب را به‌عنوان بزرگ‌تر آنها در پی خواهد داشت.

*کارشناس مسائل بین‌الملل

دولت باید نگاه اقتصادی‌اش را تغییر دهد

دکتر ابراهیم رزاقی*

یادداشت اقتصادی

همانطور که بارها اعلام شده است دیدی



که اکنون در دولت یازدهم حاکم است، بی‌شک تفکر تعدیل اقتصادی یعنی پیروی از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول است که البته این موضوع هیچگاه به صورت علنی از سوی دولت‌مدان اعلام نمی‌شود. باید شرایط اقتصادی را دید و بعد به تحلیل این شرایط پرداخت. در حال حاضر دولت به دنبال برداشته شدن تحریم‌هاست که البته این موضوع بدی نیست اما نکته منفی، در این مساله است که از جانب تیم اقتصادی دولت محترم، بهبود اقتصاد کشور یا برداشته شدن تحریم‌ها گره خورده است. اگر به سال‌های گذشته بازگردیم و شرایط اقتصادی کشور را ارزیابی کنیم، می‌توانیم پی ببریم اقتصاد ایران با دید لیبرالی و سرمایه‌داری صندوق بین‌المللی پول در حال حرکت است به طوری که دولت در اقتصاد نباید دخالت کند تا عده‌ای به دنبال جدا کردن سود و ثروت و سرمایه خود باشند. این دیدگاه که آمریکا و اکثر قریب به اتفاق کشورهای غربی از آن تبعیت می‌کنند، باعث شده از لحاظ اقتصادی مرزها برداشته شود و دنیا به سمت و سوی به اصطلاح جهانی شدن به حرکت درآید اما از آنجا که تک‌قطبی شدن جهان فقط به نفع آمریکا و چند کشور غربی است تبعیت از چنین شیوه‌ای تاکنون موجب شده ۱۸۰ کشور دنیا به این چند کشور وابسته شوند؛ عمده کشورهایی که تولیدکننده مواد خام، محصولات کشاورزی و دارنده ذخایر و منابع گاز، نفت و معادن در جهان هستند. اقتصاد ایران به‌گونه‌ای در حال حرکت است که دولت به جای توجه به تولید داخل به تولید خارج، محصولات کشاورزی و دارنده دولت به جای توجه به تولید داخل به دنبال واردات است و هزینه واردات نیز از طریق خام‌فروشی نفت و مواد معدنی و حتی خام‌فروشی پتروشیمی حاصل می‌شود. از سوی دیگر چنانچه به ذخایر و ثروت‌های طبیعی خود آمریکا نگرسیسته شود، خواهیم دید این کشور با وجود آنکه یکی از قطب‌های تولید نفت خام و دارنده سایر منابع معدنی غنی است اما مخصوصاً و به‌عمد از این مزیت نمی‌خواهد بهره‌آفرینی ببرد و با سیاست خرید منابع خام از دیگر کشورها شیوه‌ای را پیاده کرده است تا افسار اقتصاد دنیا را در دست گیرد. در چنین شرایطی دولت ایران به جای تکیه بر توان داخلی و بهره‌گیری از مزایا و منابع خدادادی، متأسفانه به جده تلاش می‌کند در قالب مذاکرات بتواند منفذ ورود به جهانی شدن اقتصاد را پیدا

ادامه در صفحه ۱۱

چند نکته درباره صدور مجوز تأسیس حزب اتحاد ملت

دکتر سعید ملکی*

نگاه

از مدت‌ها قبل بسیاری از گروه‌ها و رسانه‌های ارزشی مراتب نگرانی خود را در رابطه با احیای فعالیت «حزب منحل مشارکت» یا تابلوی جدیدی به نام «حزب اتحاد ملت ایران» به طرق گوناگون به گوش مسئولان محترم رسانده و در این زمینه هشدارهای لازم را داده بودند، با این حال روز شنبه پنجم اردیبهشت‌ماه، آقای «حسینعلی امیری» قائم‌مقام وزیر و سخنگوی وزارت کشور در کمال تعجب و ناباوری، از صدور مجوز تأسیس حزب اتحاد ملت ایران در جلسه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب خبر داد و گفت: «با توجه به تکمیل بودن پرونده و وصول استعلامات مربوط، با ایجاد حزب اتحاد ملت موافقت شد». تأسیس حزب جدید اتحاد ملت که به گفته «غلامرضا انصاری» یکی از اعضای اصلی این حزب، تسکلی کاملاً اصلاح‌طلب به شمار می‌آید، در فضای کنونی سیاسی کشور مساله ساده و قابل اغمازی نیست. یک - با مروری گذرا به لیست اعضای هیات موسس این تشکل با اسامی‌ای چون «محمد آقایی»، «حسین خلیلی‌رادکنی»، «علی محمد مظفری»، «رؤیا بلوری» و «سیدحسین موسوی‌نژاد» مواجه می‌شویم؛ افرادی که هر کدام یا از موسسان حزب منحل مشارکت یا از اعضای اصلی این حزب غیرقانونی به شمار می‌آیند. اگر «فتنه ۸۸» را یک شاخص و آزمون برای سنجش رفتار افراد و جریان‌های سیاسی کشور به شمار آوریم، بی‌تردید بسیاری از جریان‌ها و گروه‌های اصلاح‌طلب بویژه حزب منحل‌شده و غیرقانونی مشارکت در زمره مردودان آزمون سال ۸۸ قرار می‌گیرند. با توجه به فعالیت‌های «براندازانه» و «غیرقانونی» این حزب، آیا رواست به اعضای اصلی این تشکل غیرقانونی که با تابلو و تشکلی جدید وارد میدان سیاسی کشور شده‌اند، مجوز فعالیت دوباره و کارشکنی داد؟ ذکر این نکته ضروری است که در تأیید همکاری حزب مشارکت با نیروهای خارجی در ایام فتنه ۸۸ در راستای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی، اسناد و مدارک گسترده‌ای به دست آمده که همگی حکایت از برنامه‌ریزی چندین ساله این حزب با هدف براندازی نظام اسلامی دارد. بر چنین مبنایی چگونه وزارت محترم کشور مجوز فعالیت حزبی را صادر کرده است که اعضای اصلی آن از فعالان و

چهره‌های تأثیرگذار حزب غیرقانونی مشارکت بوده و اصلاً نظام اسلامی را قبول ندارند؟! آیا این عمل در دولتی که رئیس آن خود را عالم به موضوعات امنیت ملی می‌داند، عجیب و قابل تامل نیست؟ آیا وزارت کشور می‌تواند تضمین کند این حزب تازه‌تأسیس که تمام‌قد خود را ادامه اصلاحات آبخوانید فتنه ۸۸ می‌داند، فاجعه‌ای چون فتنه ۸۸ را بر ملت و نظام تحمیل نخواهد کرد؟ دو - عدم اعلام برائت موسسان حزب اتحاد ملت از فجایع ۸۸ و سران فتنه نکته دیگری است که باید مورد توجه و تدقیق قرار گیرد. مروری بر آخرین مواضع افرادی چون «حیدر زندیه»، «بهروز صحابه» و «حسین خلیلی» نشان از آن دارد که این افراد نه تنها از فعالیت‌های حزب مشارکت و فتنه ۸۸ اعلام برائت نکرده‌اند، بل در تاووم رفتارهای ساختارشکنانه، در «نامه ۱۴۳ فعال سیاسی و مدنی به محمد خاتمی» که ۲۳ مهر ۹۰ در سایت‌های ضدانقلاب و معلوم‌الحالی چون «رادیو فردا» منتشر شده، اسامی بسیاری از موسسان حزب تازه‌تأسیس اتحاد ملت بویژه افراد اشاره‌شده، در میان امضاکنندگان این نامه آمده است. در این نامه تصمیم مهم‌ترین نهاد مربوط به امنیت ملی کشور یعنی شورایعالی امنیت ملی برای حصر سران فتنه، اقدامی «غیرقانونی» توصیف شده و در آستانه انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی تأکید شده است «حداقل شرایط برای برگزاری انتخابات آزاد، سالم و عادلانه وجود ندارد!»(۱) آیا وزارت محترم کشور و دولت محترم در این رابطه توضیح جامعی برای افکار عمومی دارند؟ سه - با توجه به استنادات وزارت کشور به ماده ۷ قانون فعلی احزاب در تأیید فعالیت این حزب به نظر می‌رسد قانون فوق از برخی ایرادات و خلأهای اساسی برخوردار است و انجام اصلاحات در این قانون ضروری به نظر می‌رسد. مطابق این ماده قانونی تنها اعضای ساواک، ماسون‌ها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ به وزارت سیدیه یا به عضویت مجلس سنا یا مجلس شورای ملی درآمده‌اند، گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیز و کسانی که به موجب احکام دادگاه‌ها طبق موازین اسلامی از حقوق اجتماعی محروم شده یا می‌شوند، از تأسیس جمعیت و حزب

سیاسی محرومند. همانگونه که پیداست این ماده بسیاری از متخلفان و براندازان فعال در فتنه ۸۸ را در بر نگرفته و قطعاً نیاز به بازنگری و به‌روزرسانی دارد. البته باید به ممانعت دولت محترم از به روز شدن قانون احزاب در کشور که چندی است توسط مجلس محترم شورای اسلامی در حال پیگیری است نیز اشاره کرد. چهار - بنا به آنچه برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله «محمد صالح جوکار»، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفته‌اند، حزب اتحاد ملت، خارج از نوبت و خیلی زود مجوز فعالیت گرفته است. این نماینده مجلس ضمن اشاره به این موضوع که گروه‌ها، تشکل‌ها و افراد بسیاری در صف اخذ مجوز فعالیت حزبی در وزارت کشور هستند، معتقد است وزارت کشور بدون رعایت نوبت و خارج از ضوابط قانونی دست به صدور مجوز برای این حزب زده است. اگر این ادعا صحیح باشد - که بنا به برخی شواهد موجود، همین طور است - باید از وزیر محترم کشور پرسید چرا این وزارتخانه با در اولویت قرار دادن صدور مجوز برای این حزب راه آنها برای فعالیت سیاسی را هموارتر کرده است؟ آیا این اقدام کاملاً اتفاقی و غیربرنامه‌ریزی شده بوده است یا اینکه دست‌هایی پشت پرده وزارت کشور در حال انجام اینگونه اقدامات هستند؟ پنج - نکته پایانی بر اهمیت اقدام مؤثر مجلس شورای اسلامی در برابر این چنین اقداماتی تأکید دارد. خوشبختانه آنگونه که برخی نمایندگان مجلس در این مدت اظهار نظر کرده‌اند، به نظر می‌رسد مجلس محترم با فراخواندن وزیر محترم کشور به پارلمان، قصد واکاوی و بررسی این موضوع بسیار مهم را دارد. بی‌تردید نمایندگان محترم مجلس باید با واکاوی دقیق این موضوع ضمن شناسایی لایه‌های پنهان وزارت کشور تمام تلاش خود را برای دور شدن دست فتنه‌گران از فعالیت سیاسی و حزبی به کار گیرند. بی‌تردید مجلس شورای اسلامی باید با اتخاذ تدابیر قانونی لازم ضمن تسریع در روند به‌روزرسانی قانون فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی، جلوی فعالیت دوباره تشکل‌هایی را که با حکم قوه محترم قضائیه غیرقانونی به شمار آمده‌اند با تابلوهای جدیدی چون «اتحاد ملت» سد کند.